

چالش ترجمه استعاره در قرآن

(مطالعه موردی روش های ترجمه استعاره در برخی از ترجمه های معاصر انگلیسی قرآن)

بامشاد حکمت شعار طبری

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

سید سجاد غلامی

استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس مسلمان، نه تنها از منظر دینی و مذهبی و وحیانی مورد مطالعه و واکاوی است، بلکه از دیدگاه ادبی و بسیاری دیگر از سطوح معنایی، زبانشناختی و گفتمانی نیز بی بدیل و قابل بررسی است. از این جهت، این مقاله درصدد است به یکی از جنبه های ادبی مهم این کتاب یعنی «استعاره» بپردازد. به بیان دقیق تر، این مقاله تعدادی از آیات قرآنی در بردارنده «استعاره» را گزینش نموده، و با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی برخی از ترجمه های انگلیسی معاصر در باب هر کدام از این آیه ها پرداخته است. در راستای به انجام رساندن این پژوهش مجموعه ای از نظریه های مطرح شناختی و کاربردی معاصر و متاخر ترجمه در حوزه ترجمه «استعاره» مورد استفاده قرار گرفته اند و در نهایت بر مبنای کیفیت ترجمه های ذکر شده، و با در نظرگیری اصول شناختی مذکور، ترجمه هایی به عنوان پیشنهاد با هدف بهبود کیفیت برگردان و ترجمان هر کدام از استعاره ها، ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: استعاره، ترجمه های انگلیسی قرآن، نظریه های شناختی ترجمه

۱- مقدمه

یکی از این جنبه‌های اعجاز قرآن کریم، اعجاز بیانی و داشتن فصاحت و بلاغت در کمال آن است و از جلوه‌هایی که زیبایی، رسایی و شیوایی آیات قرآن را به رخ می‌کشد، صنعت ادبی «استعاره» است؛ قرآن کریم این اسلوب ادبی را به نحو احسن و در اغراض گوناگونی چون رعایت ادب، پرهیز از آوردن الفاظ قبیح، تأکید بر عظمت و قدرت، مبالغه، اختصار و مانند آن به کار برده است. این ویژگی‌های ادبی خاص قرآن، مترجم کلام الهی را به دشواری و سختی‌هایی در امر ترجمه دچار می‌سازد که یکی از لوازم ضروری آن، داشتن احاطه کامل بر علم بلاغت است تا در برگردان کلام آسمانی به زبان مقصد، حداکثر وفاداری به متن اصلی رعایت شود؛ تحقیق حاضر سعی دارد با نگاهی کارکردی و عملی (توصیفی-تحلیلی)، به بررسی روش‌های ترجمه استعاره در برجسته‌ترین آیات شاخص قرآن در حوزه استعاره بپردازد. در این مسیر به برخی از مشهورترین ترجمه‌های انگلیسی معاصر قرآن - یعنی ترجمه‌های آربری، پیکتال، ایروینگ، قرایی، صفارزاده، محمد و سمیرا احمد، ایتانی و خطاب رجوع می‌کند تا آنها را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و پس از بیان نکات ضعف و قوت هر یک، شاخص‌ترین روش ترجمه را در صنعت استعاره تبیین نماید.

به هر روی قبل از وارد شدن به بحث اصلی نیاز است تعاریفی چند از استعاره و نقش آن به عنوان یک آرایه ادبی موثر در انتقال مفاهیم در سطوح مختلف زبانی، ادبی و همچنین در حوزه تحلیل گفتمان ارائه شود:

- یکی از تعاریف معروف در این حوزه مربوط به یونان باستان است. ارسطو در کتاب *بوطیقا* استعاره را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای بلاغت و بیان در ادبیات معرفی کرده است و تصریح می‌کند که استعاره "تعبیر واژه‌ای از یک چیز به چیز دیگر" است، که به وسیله آن یک ویژگی یا مفهوم خاص از یک شیء به شیء دیگر منتقل می‌شود. او اعتقاد دارد که استعاره‌ها قدرت بالایی در ایجاد تصویری زنده و قابل لمس دارند و می‌توانند تأثیر عمیقی بر احساسات و تفکر مخاطب بگذارند. ارسطو می‌گوید: "استعاره همانند ریشه‌ای در خاک است که از آن تصاویر و احساسات مختلف زاده می‌شوند". (بایواتر، ۲۱)
- یکی دیگر از تعاریف قدیمی موجود از استعاره را می‌توان در کتاب *البیان و التبیین*، که از مهمترین آثار عمرو بن بحر جاحظ بصری (۱۶۰-۲۵۵) نویسنده بزرگ عرب است، یافت. او استعاره را این گونه تعریف می‌کند: "تسمیه الشیء باسم غیره اذا قام مقام" (۶۱)
(استعاره نامیدن چیزی است به نامی جز نام اصلی‌اش، هنگامی که جای آن چیز را گرفته باشد).
- نخستین تعریف استعاره موجود از یک ایرانی نیز به ابوالفتوح (فخر) رازی در کتاب *تفسیر الکبیر*، مفسر قرن ششم هجری تالیف شده است، نسبت داده می‌شود. او استعاره را این گونه تعریف کرده است:
"الاستعاره ذکر الشیء باسم غیره، و اثبات ما لغيره له للمبالغة فی التشبيه" (الصاوی، ۱۰۲)
(استعاره ذکر چیزی با اسم غیر خودش است و اثبات آن برای چیزی به غیر خودش با مبالغه در تشبیه).
- یکی دیگر از تعاریف متاخر استعاره که در این مجال می‌تواند مفید واقع شود و به بحث فعلی کمک کند، تعریف ارائه شده توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) می‌باشد:
در ادبیات و زبان‌شناسی استعاره به معنای تشبیهی ضمنی است که در آن یک مفهوم یا شیء برای توضیح مفهوم یا شیء دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که باعث پویایی و خلاقیت در بیان می‌شود. در استعاره، ما از زبان برای انتقال یک تجربه به تجربه دیگر استفاده می‌کنیم (۵)... هر تجربه‌ای در پس‌زمینه‌ای وسیع از پیش‌فرض‌های فرهنگی شکل می‌گیرد.... بنابراین فهم استعاره تنها بر بستری فرهنگی امکان پذیر است... (۵۷)
برای حسن ختام و در راستای شرح و بسط بهتر موضوع اصلی این مقاله و اثبات اهمیت موضوع استعاره در این بخش می‌توان به کوروش صفوی ارجاع داد:
- صفوی باور دارد که استعاره نباید تنها به عنوان یک فرآیند ذهنی و زبانی بررسی شود، زیرا استعاره در عین ادبی بودن، در قامت یک آرایه فرا-زبانی عمل می‌نماید، و به انتقال معنا از یک حوزه به حوزه دیگر کمک می‌کند. بنابراین نباید به آن به عنوان یک ابزار زبانی صرف نگریست. (۲۹۱)

بر مبنای تعریف صفوی از استعاره، و سایر تعاریف ارائه شده در بالا، می‌توان به این جمع بندی رسید که استعاره نه تنها یک ابزار زبانی است، بلکه بازتابی از تفکر و شناخت انسان است و به درک پیچیدگی‌های زبانی و ذهنی گویشوران یک زبان و نحوه تطور تاریخی و شناختی آن نیز کمک می‌کند. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که موضوع استعاره به طور خاص باید در مطالعات مربوط به حوزه ادبیات و ترجمه مورد توجه قرار بگیرند، زیرا بدون در نظرگیری اهمیت این آرایه مهم و با تقلیل تحلیل آن به سطحی صرفاً زبانی، محققان بی شک از ارائه یک تحقیق جامع و کامل در این حوزه باز خواهند ماند. به بیان دیگر مطالعاتی که قرار است در این حوزه ها انجام شود می‌بایست بر مبنای آگاهی کامل از نظریه های شناختی ارائه شده در این باب، که همگی فرهنگ-محور هستند، صورت پذیرد، وگرنه نمی‌توان آن مطالعات را جامع، سودمند، و آگاهی بخش به حساب آورد.

۲- سوالات پژوهش

باتوجه به مطالب ذکر شده در مقدمه این مقاله، سوالات زیر به عنوان سوالات این پژوهش مطرح است:

الف: ترجمه‌های مشهور انگلیسی معاصر قرآن کریم کدام شیوه‌ها و راهبردها را برای برگردان تعبیر و عبارت‌های استعاره‌ای موجود در متن عربی آیات به کار گرفته‌اند؟

ب: موثرترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها و راهکارهای برگردان استعاره را کدام یک از این مترجمان به کار گرفته‌اند؟

ج: آیا بررسی نمونه ترجمه‌های موجود و تجزیه و تحلیل آنها در کنار یکدیگر، می‌تواند منجر به کشف راهکارهای جدید و ارائه نمونه ترجمه‌هایی فصیح‌تر و وفادارتر به متن شود؟

۳ - چارچوب نظری

مطالعه و جست و جو درباره منابع انگلیسی موجود در حوزه بررسی و نقد موضوع برگردان استعاره در درجه اول، روشن می‌سازد که در دهه های اخیر در این حوزه مطالعات متنوعی انجام شده است. در اینجا به طور خلاصه به تعدادی از آن ها که به مباحث مطرح در این حوزه مربوط هستند و می‌توانند در انجام و پیشبرد مطالعه و تحقیق فعلی مفید و سودمند باشند، اشاره می‌گردد:

کتفورد (۱۹۶۵)، یکی از نخستین منتقدان معاصری است که در رابطه با موضوع اصلی این مقاله می‌توان به او ارجاع داد: این منتقد بر این باور است که ترجمه تنها به سطح زبانی محدود نمی‌شود، و در ورای انتقال زبانی مفاهیم، سطحی متعالی-تر به نام سطح فرهنگی وجود دارد. در حقیقت او بر مسئله تعادل فرهنگی نیز تاکید می‌کند، که یکی از مهم ترین مسائلی است که باید در ترجمه استعاره مورد توجه قرار بگیرد. به علاوه او ذیل عنوان "انتقال واحدهای ترجمه‌ای"، به این مهم که استعاره می‌تواند نقشی کلیدی در یک واحد ترجمه داشته باشد اشاره می‌نماید و معتقد است، ناپختگی یا مبذول نداشتن دقت کافی به این نقش کلیدی و عدم تلاش برای یافتن راهکار درست برای معادل یابی در ترجمه استعاره ها می‌تواند مشکل ساز شود. با اتکا بر این نظریات، دور از ذهن نیست که چرا کتفورد در ادامه به برجسته سازی موضوع چالش‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی در ترجمه استعاره‌ها و لزوم اتخاذ رویکردهای نوین برای مدیریت این آن ها به کمک تحلیل زبانی دقیق، پرداخته است.

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، در کتاب خود به طور ویژه بر مبحث "استعاره‌ها"، و نقش کلیدی آن ها در ترجمه متمرکز می‌شوند و از آن ها به عنوان عناصری بنیادین یاد می‌نمایند که مبتنی بر ساختار فکری ما بوده و در این بستر عمل می‌کنند. آن‌ها در ادامه بحث از این موضوع صحبت می‌کنند که استعاره‌ها نه تنها در حوزه تبلور مفاهیم زبانی نقشی مهم و اساسی ایفا می‌کنند، بلکه در اندیشه و کنش انسانی و ساختار بخشی به آن نیز نقشی کلیدی ایفا می‌نمایند. لذا مفهوم "استعاره مفهومی" را معرفی نموده و بر این باورند که ادراک و تجربیات انسانی از طریق روابط استعاره-محور شکل می‌گیرند.

به نظر می‌رسد، در ادامه بحث و در راستای تبیین بهتر چارچوب نظری مقاله فعلی، پرداختن به نظریات نیومارک (۱۹۸۸) در حوزه ترجمه و استعاره ضروری باشد. او در کتاب *A Textbook of Translation*، به شرح و بسط بیشتر مباحث مربوط به چالش‌های موجود در فرآیند ترجمه که قبلاً در ۱۹۸۱ در کتابی دیگر مطرح ساخته بود می‌پردازد، و موشکافانه راهکارهای مختلف ترجمه را بررسی می‌کند و به طور خاص بر چالش‌های ترجمه عناصر ادبی از جمله استعاره متمکز می‌شود. اگرچه آنچه نیومارک ارائه داده، به نحوی مکمل نظریه‌های قبلی مطرح شده در این حوزه بوده و همسو با آن هاست، آنچه او را متمایز می‌کند رویکرد کاربردی اوست که با تأکید بر ضرورت بررسی واحد‌های ترجمه از هر دو منظر زبانی و شناختی و اشراف کامل مترجم بر این دو بعد متمایز، از خلاقیت کافی و قابلیت نوآوری یک مترجم سخن به میان می‌آورد و تلاش برای یافتن راهکار مناسب موردی برای ترجمه یک استعاره معین و امتناع از کلیت بخشی یا تئوری-محور بودن و مکانیکی عمل کردن در فرآیند ترجمه را امری لازم می‌داند. به بیان دیگر، نیومارک تلاش نموده تئوری‌های ترجمه را به عمل پیوند دهد، و همین امر او را به یکی از نظریه پردازان کلیدی در این حوزه بدل ساخته، به همین علت هنوز بعد از چند دهه نظریات او قابل استناد و کاربردی به شمار می‌آیند. یکی دیگر از دلایل تمایز نظریه‌های نیومارک را می‌توان این امر دانست که استدلال او این است که بار فرهنگی استعاره‌ها، و تفاوت‌های فرهنگی و شناختی موجود بین زبان مبدأ ترجمه و زبان مقصد ترجمه، مهم‌ترین عواملی هستند که تعیین می‌کنند که چه موقع برخی استعاره‌ها باید به شکل اصلی حفظ شوند، چه وقت می‌بایست به استعاره‌های مناسب در زبان مقصد تبدیل شوند، و همچنین اینکه تحت چه شرایطی مترجم نیازمند به توضیح اضافی مفهوم یک استعاره در فرآیند ترجمه خواهد بود. بر مبنای نظریات نیومارک در باب ترجمه استعاره راهکارهای کاربردی برای ترجمه استعاره را می‌توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

- ۱- **ترجمه تحت‌اللفظی استعاره:** یعنی انتقال عینی لفظ به لفظ استعاره از «زبان مبدأ» به «زبان مقصد»؛ به شرط شناخته-شده بودن استعاره در میان گویشوران یک زبان که موجب حفظ کارکرد و استعمال استعاره در زبان مقصد می‌گردد.
- ۲- **ترجمه استعاره به استعاره‌ای معادل و برابر:** یعنی جایگزینی استعاره در زبان مقصد با استعاره‌ای معیار و استاندارد، که همان معنی استعاره زبان مبدأ را در زبان مقصد بیان نماید. این نوع ترجمه از استعاره در میان دیگر ترجمه‌های استعاره، از جایگاه مقبول‌تری برخوردار است، و در صورت وجود استعاره معادل در زبان مقصد مترجم جهت تقریب معنی از زبان مبدأ به زبان مقصد، باید از این ترجمه جهت ایفاد معنی جمله بهره برد.
- ۳- **ترجمه استعاره به تشبیه:** یعنی برای سلیس شدن معنی، مشبّه یا مشبّه به حذف گردد.
- ۴- **حذف استعاره و عدم ترجمه آن:** حذف استعاره به معنای عدم ترجمه آن در زبان مقصد است و آن زمانی است که استعاره، زائد و غیرمفید باشد. بیان معنا و مقصود استعاره در ضمن کلام و یا در موضع دیگری از متن، می‌تواند توجیه‌کننده حذف استعاره در فرایند ترجمه باشد.
- ۵- **ترجمه استعاره به معنای آن:** در این روش تنها پیام نهایی و مفهوم غایی استعاره ذکر می‌شود.
- ۶- **ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری:** انتقال استعاره به همان صورت اصلی به همراه افزوده‌های تفسیری با هدف روشنی بخشی به سخن و رفع ابهامات و پیچیدگی‌های احتمالی؛ که مترجم معمولاً این کار را با هدف حصول اطمینان از قابل فهم بودن استعاره در زبان مقصد انجام می‌دهد.
- ۷- **ترجمه استعاره به تشبیه با افزوده‌های تفسیری:** این روش زمانی مناسب است که استعاره دارای پیچیدگی زیادی باشد و مترجم احساس نماید برای اغلب خوانندگان، ترجمه قابل فهم نیست.

یکی از متاخرترین نظریه پردازانی که در حوزه ترجمه استعاره قابل استناد و اتکاست ماندی (۲۰۱۶) می‌باشد. نظریات او در واقع همسو و همجهت با نظریات نیومارک می‌باشد، زیرا او دیگر بار بر اهمیت شناخت فرهنگی و فضایی که استعاره

ها در آن بستر شکل گرفته اند صحنه می گذارد، و معتقد است که برای ترجمه درست و موفقیت آمیز استعاره‌ها مترجم باید به شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی بین زبان مبدا و مقصد ترجمه توجه ویژه داشته باشد. او راهکارهای زیر را برای ترجمه درست و موثر استعاره‌ها پیشنهاد می دهد:

۱- **ترجمه تحت الفظی و حفظ استعاره اصلی بدون تغییر کلمات و عبارات:** در شرایطی که استعاره در زبان مقصد قابل درک است.

۲- **جایگزینی استعاره با استعاره:** استفاده از استعاره‌ای معادل در زبان مقصد، یعنی استعاره‌ای که به نظر می‌رسد عملکرد معنایی مشابهی با زبان مبدا دارد.

۳- **ترجمه تفسیری:** ارائه توضیحی از معنای استعاره به جای ترجمه مستقیم آن، به ویژه وقتی که درک مستقیم استعاره در زبان مقصد از لحاظ معنایی و فرهنگی دشوار است.

۴- **حذف و بهره گیری از توضیحات:** وقتی این باور وجود دارد و مترجم به قطعیت می‌رسد که حذف ترکیب استعاره‌ای و افزودن توضیحات اضافی معنای آن را در متن مقصد روشن‌تر می‌کند.

۵- **جایگزینی با معادل فرهنگی:** استفاده از عبارتی معادل در زبان مقصد است که مشابهت فرهنگی یا زمینه‌ای با زبان مبدا داشته باشد.

۶- **تبدیل استعاره (در زبان مبدا ترجمه)، به مجاز مرسل (در زبان مقصد ترجمه):** که در صورتی انجام می‌شود که مترجم به این نتیجه برسد که معنای استعاره مورد نظر در زبان مقصد به این شیوه بهتر منتقل خواهد شد.

۴- پیشینه پژوهش

مطالعه و جست و جو در زمینه منابع انگلیسی موجود در حوزه بررسی و نقد موضوع برگردان استعاره، روشن می‌سازد که در دهه‌های اخیر در این حوزه، مخصوصاً از منظر شناختی، مطالعات متنوعی انجام شده است. در اینجا به طور خلاصه به تعدادی از آن‌ها که برجسته‌تر به نظر می‌رسند و به مباحث شاخص و کلیدی در این حوزه پرداخته اند و می‌توانند در انجام و پیشبرد مطالعه و تحقیق فعلی مفید و سودمند باشند، اشاره می‌گردد. یکی از نخستین منابع اسنل-هوربی (۱۹۸۸) می‌باشد، که در آن بر لزوم توجه به تفاوت‌های موجود بین زبان مبدا و مقصد ترجمه، توجه بسیار می‌شود و به طور ویژه مسئله تفاوت فرهنگی موجود، مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده این اثر اعتقاد دارد مشکل اصلی و مهمی که در مسیر دستیابی به ترجمه درست یک استعاره وجود دارد از این قرار است: از آن جا که در فرهنگ‌های مختلف، و بنابراین زبان‌های مختلف، نمادها به شیوه‌های متفاوتی مفهوم‌سازی می‌کنند، انتقال آن مفاهیم به طور صحیح و دقیق کار دشواری خواهد بود. اسنل-هوربی تصریح می‌کند که معنای استعاره معمولاً مختص یک فرهنگ خاص است، بنابراین طبیعی است نتوان به راحتی آن را در فرهنگی دیگر بازتاب داد. یکی دیگر از پژوهش‌های نخستین دیگر در این حوزه توسط اشتاینشتر (۱۹۹۵) صورت گرفته است. این پژوهشگر در خلال کار تحقیقاتی خود بر روی ترکیبات استعاره‌ای استفاده شده در کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) به این نتیجه می‌رسد که استعاره‌ها به عنوان ابزارهای بلاغی و زبان شناختی در هر زبانی وجود دارند، اما نحوه بیان و تفسیر آن‌ها تحت تأثیر فرهنگ خاصی است که در آن زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، هر زبان و فرهنگ در طی تاریخ و بر بسترهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و... در درون خود استعاره‌ها را ایجاد می‌نماید و به تبع آن نیز زمینه لازم برای درک معنا و مفهوم آن را نیز برای گویشوران خود فراهم می‌آورد. استین (۲۰۰۸)، پژوهشگر دیگری است که نتیجه تحقیقات او را می‌توان با پژوهش فعلی مرتبط دانست. در واقع، ارجاع به نظرات او می‌تواند بسیار راهگشا باشد. بررسی آثار او یک محقق را با یک عبارت کلیدی یعنی "استعاره عمدی" روبرو خواهد کرد که در حقیقت به مبحث استفاده آگاهانه از استعاره‌ها در ارتباطات اشاره دارد، و هدف از مطرح شدن آن بیان این مسئله است که به جای آنکه استعاره‌ها صرفاً به عنوان ابزارهای زبانی نگریسته شوند، باید از منظری بسیار متفاوت مورد واکاوی قرار بگیرند. در واقع دیدگاه متفاوتی که نسبت به استعاره در اینجا وجود دارد، ناشی از این باور است که استعاره مولود یک تعامل غیر خطی و پیچیده بین ابعاد مختلف زبانشناختی، فکری و فرهنگی سازنده زبان هاست. به بیان دیگر کسانی که به چنین

رویکردی معتقد، پذیرفته‌اند که زبان به عنوان وسیله‌ای برای انتقال معانی، احساسات و تفکر به حساب و می‌آید و تنها در نتیجه وقوع یک فرآیند شناختی و تبدلات فرا-زبانی، که بستری اجتماعی و فرهنگی دارند، و تعاملات خاص و پیچیده بین آن‌ها قابل درک هستند. در حقیقت، تا این فرایندها درک نشوند نمی‌توان به نحوه تولد یک استعاره در یک زبان مشخص و چگونگی قابل فهم شدن آن برای گویشوران یک زبان آگاهی پیدا کرد. مرتضی طاهری اردلی و همکاران، (۲۰۱۳)، از جمله پژوهشگران دیگری هستند که در همین حوزه دست به پژوهش زده‌اند. آن‌ها معتقدند از آنجا که استعاره تحت تأثیر باورها و نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی خاص شکل می‌گیرد، ترجمه این پدیده زبانی نیز می‌بایست بر اساس معادل‌سازی شناختی صورت بگیرد، امری که میسر نخواهد شد، مگر اینکه مترجم با این پیش فرض شروع به کار کند: استعاره‌ها ساختارهایی شناختی هستند و نمی‌توان آن‌ها را به ساختارهای متنی و زبانی بدون ارجاع به سطح فرا-زبانی تقلیل داد، زیرا در این صورت در فرآیند ترجمه دچار نقصان مفهومی و معنایی خواهند شد. در راستای همین موضوع است که در پژوهش‌های متاخر مانند هنگ و رسی (۲۰۲۱)، به این مفهوم اشاره می‌شود که مترجمان هنگام برخورد با استعاره‌ها دو بار دچار مشکل خواهند شد زیرا اولاً آن‌ها باید به خوبی مفهوم استعاره‌ها را در متن مبدأ (ST) درک کنند و ثانیاً باید معانی معادلی با عملکردهای مشابه در متن مقصد (TT) پیدا کنند. از دید این پژوهشگران چنین چالشی موید این امر است که شکل‌گیری مفهوم استعاره در یک زبان برآیند تعامل پیچیده‌ای از عوامل زبانی و فرا-زبانی است، و در نتیجه نیازمند دقت و توجه فراوان و کار مضاعف نظریه پردازان در حوزه پژوهش‌های نظری ترجمه می‌باشد.

در ادامه، و در راستای تکمیل این قسمت باید افزود که اهمیت موضوع ترجمه استعاره، با استناد به پژوهش‌های اشاره شده در بالا، باعث شده که در سال‌های اخیر توجه تعداد زیادی از پژوهشگران قرآنی نیز به این حوزه جلب شود. در واقع می‌توان ادعا نمود که بار فرهنگی استعاره، و لزوم اهمیت توجه به آن در ترجمه متون مذهبی و حساسیت بالای این امر و تلاش برای مواجهه درست با چالش‌های موجود در این مسیر، باعث گردیده بسیاری از پژوهشگران این حوزه برای کار در این زمینه رغبت نشان دهند. لزوم توجه به جنبه‌های فرهنگی در ترجمه استعاره‌های قرآنی در بیشتر مطالعات مربوط به سال‌های اخیر، که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها مبتنی بر نظریه‌های شناختی ترجمه هستند، همواره دیده می‌شود. برای نمونه می‌توان به محقق و کتابی (۲۰۱۲)، ملایری (۲۰۱۷)، نوربایان (۲۰۱۹)، فارسی (۲۰۲۲)، و آوان و نواز (۲۰۲۳) اشاره نمود. در بیشتر این پژوهش‌ها از بعد نظری به مباحث اشاره شده در بالا پرداخته شده و در تعدادی از آن‌ها نیز به صورت موردی گزیده‌ای از ترجمه‌های مطرح قرآنی و کیفیت و میزان موفقیت مترجم در مواجهه با استعاره‌های قرآنی و یا راهکارهای به‌کارگرفته شده توسط او برای معادل‌یابی و دستیابی به ترجمه‌های درست و دقیق، مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. برای نمونه می‌توان از پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده توسط اقبالی (۲۰۲۱)، مرشدیان و جمال‌لو (۲۰۲۳)، و راد و همکاران (۲۰۲۴) نام برد، که مربوط به چند سال اخیر هستند، و بار دیگر بر اهمیت لزوم کار بیشتر در این حوزه صحنه می‌گذارند.

۵- تحلیل و نقد شیوه برگردان استعاره در ترجمه‌های انگلیسی قرآن

بر مبنای آنچه در بالا بیان شد، در این قسمت به تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از برگردان استعاره توسط مترجمان «آربری/ ARBERRY»، «پیکتال/ PICKTHAL»، «ایروینگ/ IRVING»، «قراپی/ GHARAEI»، «صفارزاده/ SAFFARZADEH»، «محمد و سمیرا احمد/ MOHAMMAD AND SAMIRA AHMED»، «ایتانی/ ITANI» و «خطّاب/ KHATTAB» در تعدادی از آیات مرتبط با موضوع استعاره می‌پردازیم و در پایان هر بخش، ترجمه‌هایی به عنوان ترجمه پیشنهادی براساس بنیان‌های نظری مطرح شده ارائه می‌شود:

۵-۱ «و لَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ...» (اعراف/ ۱۵۴)

ARBERRY: "And when Moses anger abated in him"

PICKTHALL: "Then, when anger of Moses abated"

IRVING: "When his anger had subsided"

GHARAEI: When "Moses indignation" abated

SAFFARZADEH: "And, when the anger of Musa calmed down"

MOHAMMAD AND SAMIRA AHMED: "And, when anger quietened from Moses"

ITANI: "When anger abated in Moses "

KHATTAB: "When Moses' anger subsided"

ارزیابی ترجمه‌ها:

کلمه "سَكَتَ" در معنای معمول آن، برای اشاره به مفهوم "سکوت کردن" به کار گرفته می‌شود، اما در اینجا یک معنای استعاری دارد، زیرا "سکوت" معمولاً به چیزی نسبت داده می‌شود که قادر به گفتن یا بیان کردن آن نباشد، در حالی که "غضب" به طور معمول به این شکل توصیف نمی‌شود. بنابراین استعاره موجود در اصل عربی این آیه در برگردان ترجمه‌های مورد مطالعه، بازتاب نیافته و همه مترجمان در نتیجه تمرکز بر معنا و مفهوم آیه، نهایتاً ترجمه‌ای معناگرا ارائه داده‌اند که این امر برابر است با نادیده گرفته شدن معنای استعاری موجود در آیه. در اینجا مترجمان برای برگردان مفهوم فروخفتن خشم، از افعال abate (فروکش کردن، کاسته شدن)، subside (فرونشستن، فروکش کردن)، calm down (آرام گرفتن، آرام شدن) و همچنین quieten (فرونشستن، آرام شدن) استفاده کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی:

برای دست یافتن به بازتاب روشنی از مفهوم استعاری موجود در اصل عربی این آیه باید در نظر داشت که ترجمه این آیه باید تا حد امکان بیشتر به صورت تحت‌اللفظی نزدیک باشد. در واقع بهتر است این مفهوم در ترجمه این آیه به نحوی با اتکا بر معنای لفظی آیه در اصل عربی و تلاش برای معنابخشی به معنای استنباطی از این الفاظ در ترجمه انگلیسی صورت گیرد، به نحوی که جهان فکری و دایره زبانی مخاطب انگلیسی‌زبان، برای ساخت استعاره‌ای معادل یا ایجاد بار استعاری در مرکز توجه قرار بگیرد. با در نظر گرفتن موارد فوق‌الذکر، برگردان فارسی زیر را می‌توان صحیح‌تر و گویاتر به حساب آورد: «در نتیجه سکوت ناشی از نگه داشتن زبان از گفتار (ساکت ماندن) خشم موسی (ع) فروکش کرد». بر این مبنا، ترجمه انگلیسی زیر را می‌توان پیشنهاد داد:

And when of the silence of tongue-hold, anger of Moses subsided.

لازم به اشاره است که استفاده از عبارت ترکیبی "tongue-hold" (نگه‌داشتن زبان)، توانسته است به شکل‌گیری نوعی مفهوم استعاره‌ای در برگردان کمک کند؛ زیرا با آوردن "of" نشان داده می‌شود سکوت حاصل شده در نتیجه نگه‌داشتن زبان از گفتار، عامل آرامش و فرونشستن خشم در موسی (ع) است که از لحاظ استعاری معنادارتر است.

۲-۵ «وَأَيَّةٌ لَهُمْ أَلَيْلٌ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ...» (یس / ۳۷)

ARBERRY: "And a sign for them is the night, We strip it of the day"

PICKTHALL: "A token on them is night. We strip it of day"

IRVING: "Another sign for them is night; We strip daylight off from it"

GHARAEI: "And a sign for them is the night, which We strip of daylight"

SAFFARZADEH: " And, a sign of Allah's power [for disbelievers of resurrection] is the night: We draw forth from it the light-giving day"

MOHAMMAD AND SAMIRA AHMED: " And a sign for them is the night. We remove from it [the daylight of] day"

ITANI: " Another sign for them is the night: We strip the day out of it"

KHATTAB: " There is also a sign for them in night: We strip it from daylight"

ارزیابی ترجمه‌ها:

در بعد استعاری کلمه، استفاده از معادل «کندن روز از شب همانند یک لباس» در زبان انگلیسی (همانند فارسی) بار معنایی مورد نظر را منتقل نمی‌سازد؛ بنابراین به کار بردن آن، احتمالاً باعث ایجاد ابهام در فهم خواننده انگلیسی‌زبان خواهد شد. در ترجمه انگلیسی این آیه تمام مترجمان به جز مترجم صفارزاده، سعی کرده‌اند این استعاره را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کنند و امید داشته‌اند حسی معنایی و فرالفظی مورد نظر با اتکا بر نزدیک‌ترین معادل انگلیسی، یعنی فعل «کندن یا درآوردن لباس» در ترجمه آن‌ها به وجود بیاید و در نتیجه ترجمه‌ها را از لحاظ ادبی و استعاره‌ای غنی‌تر نمایند. با این وجود، به دلیل این که فعل "Strip off" (کندن یا درآوردن لباس) بسیار در انگلیسی مصطلح است، اما در معنای تحت‌اللفظی معمولاً برای انسان به کار می‌رود، تکیه بر این حالت از معنا، یعنی به گونه‌ای که در لفظ عام انگلیسی به کار می‌رود، اگر چه تا حدی معنای مورد نظر را منتقل می‌سازد، خالی از اشکال نیست. به بیان دیگر، به دلیل بار معنایی و اصطلاحی رایجی که معمولاً از این فعل در زبان انگلیسی برداشت می‌شود، نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که با اتکا بر مفهوم لغوی و تحت‌اللفظی آن، بتوان بار استعاری دقیق برخاسته از آن در اصل عربی آیه را نیز منتقل ساخت. به این دلایل، صفارزاده اولویت را به معنا داده و ترجمه‌ای معناگرا انجام داده و با قربانی کردن وجه استعاری اصل عربی آیه، سعی نموده است معنایی واضح و روشن‌تر از آن ارائه دهد. ترجمه او را می‌توان این گونه به فارسی برگرداند: «و دیگر نشانه برای آن‌ها شب است. ما روز روشنی بخش را در مقابل چشمانشان عیان کردیم».

ترجمه پیشنهادی:

همان گونه که مشخص شد اکثر قریب به اتفاق مترجمان برای ترجمه این آیه و انتقال بهتر آن در سطح استعاری، از فعل "Strip off" استفاده کرده‌اند. همان طور که در بالا اشاره شد از لحاظ لغوی و تحت‌اللفظی، این فعل را می‌توان جزء نزدیک‌ترین افعال انگلیسی قابل استفاده برای ترجمه از عربی دانست؛ اما با ایجاد کمی تغییر و اتکا نکردن صرف به فعل مورد استفاده، که هسته اصلی معنا ساز و عامل ایجاد معنای استعاری در اصل عربی آیه است، می‌توان به ترجمه انگلیسی آن، بار استعاری بیشتری بخشید. لذا پیشنهاد می‌شود بهترین راهکار این است که در ترجمه انگلیسی وجه شبه احتمالی، اگر این ترکیب به صورت تشبیهی به کار می‌رفت، باید اندکی دخل و تصرف در اصل استعاره و معنا، در مرکز توجه قرار داده شود و به نحوی برجسته‌تر به نمایش درآید. به بیان دیگر می‌توان با اضافه کردن واژه‌ای مانند لباس، به معادل انگلیسی فعل کندن یا درآوردن، به نوعی استعاره در انگلیسی دست یافت که اگر چه به تشبیه نزدیک شده و هنگام تجزیه تحلیل مفهومی و استنباط معنایی ترجمه، به گونه‌ای وجه شبه را در مرکز توجه خواننده قرار می‌دهد، اما هنوز ماهیتا استعاره است و توانسته است زمینه مناسب‌تری را با کمترین تغییر برای دست‌یابی به ترجمه‌ای درست‌تر و دقیق‌تر فراهم سازد. برای مثال این ترجمه را می‌توان ارائه داد:

And another sign for them is the nigh dressed with darkness, as We strip off the dress of day light¹.

1. و دیگر نشانه برای آنها، شب ملبس به لباس تاریکی است، چون ما لباس روشنی را از [قامت] روز بر کنیم.

۳-۵ «و لاتجعل یدک مغلوله الى عنقک ...» (اسراء/۲۹)

ARBERRY: "And keep not thy hand chained to thy neck"

PICKTHALL: "And let not thy hand be chained to thy neck"

IRVING: "Do not take your hand gripping at your throat"

GHARAEI: "Do not keep your hand chained to your neck"

SAFFARZADEH: "Do not keep your hand chained to your neck"

MOHAMMAD AND SAMIRA AHMED: "And do not make your hand [as] chained to your (neck)"

ITANI: "And do not keep your hand chained to your neck"

KHATTAB: "Do not be so tight-fisted"

ارزیابی ترجمه‌ها:

در آیه مزبور، خساست و نداشتن اتفاق و احسان، به حالتی استعاری، نمود معنایی پیدا کرده است. در واقع برای تصویرسازی بهتری از آیه، غل و زنجیرشدن دست‌ها به گردن، به حالت استعاره آمده است تا تاکید شود کسی که دست دهنده ندارد و اتفاق نمی‌کند، گویی دستانش به گردنش غل و زنجیر شده‌اند. برگردان تحت‌اللفظی انگلیسی این عبارت با اتکا بر اصطلاح "One's hand be chained/chaining to his hand" معادل مناسبی نیست؛ زیرا در انگلیسی برای نشان دادن محدودشدن و یا مشروط‌سازی شخصی برای انجام کار خاصی (همانند فارسی: دست بسته بودن در زمینه‌ای)، به صورت اصطلاحی به کار می‌رود. بنابر این باید به فکر راهبردی متفاوت‌تر بود. اگر چه معنای برخاسته از تاثیر استفاده معنایی این اصطلاح و معادل‌سازی آن در برگردان انگلیسی قسمت مربوطه، می‌تواند تا حدودی موثر واقع شود، اما نباید فراموش کرد که بار معنایی نسبتاً متفاوتی نسبت به اصطلاح عربی به کار رفته (با وزنی استعاری) در این آیه دارد. با در نظر گرفتن این موضوع باید به مطالعه ترجمه‌های ارائه شده توسط مترجمان مورد مطالعه در این مجال پرداخت. ترجمه‌های آربری، پیکتال، صفارزاده، قرایی و محمد و سمیرا احمد با اتکا بر اصطلاح اشاره شده در بالا، سعی کرده‌اند تحت‌اللفظی استعاره موجود در اصل عربی آیه را بازتاب دهند. اما ایروینگ از اصطلاحی دیگر در انگلیسی استفاده کرده است: "Hands gripping at one's throat" (تلاش برای مهارکردن یا جلوگیری از انجام کار یا امری). به نظر می‌رسد این ترجمه گویاتر بوده و با استفاده از یک اصلاح دیگر که در آن کلمات مشابه و نزدیک (گلو و دست) تکرار شده است. با این وجود، در این ترجمه که معناگراتر از ترجمه‌های دیگر است، ردپای استعاره موجود در متن اصلی عربی، کم‌رنگ‌تر است. در نهایت، خطاب، این آیه را کاملاً معناگرا ترجمه کرده و با اولویت‌بخشی به معنا، استعاره موجود را بازتاب نداده است. اما با این وجود از اصطلاح انگلیسی رایج دیگری یعنی "Tight-fisted" استفاده کرده که در انگلیسی تحت‌اللفظی یعنی «مشت تنگ» ترجمه نمی‌شود؛ بلکه اصطلاحی است به معنی خساست و خسیس بودن یک شخص. در واقع این اصطلاح نیز به نحوی اشاره به یکی از اعضای بدن (مشت بسته، به جای دست زنجیر شده بر گردن، یا گلوئی فشرده شده با دست) وجود دارد. در نتیجه باید گفت تمام این مترجمان سعی کرده‌اند با نوعی بومی‌سازی در ترجمه یا معادل یابی، به نوعی استعاره مشابه استعاره موجود در اصل عربی آیه نزدیک شوند.

ترجمه پیشنهادی:

به نظر می‌رسد برای بهتر ترجمه کردن این آیه، هم در سطح معنایی و هم در سطح ادبی، به نحوی که بتواند بازتاب دهنده استعاره موجود در اصل عربی آیه نیز باشد، باید راهبرد دیگری را جستجو کرد. در تلاش برای دستیابی به چنین راهبردی، ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

And do not keep within bounds your generous hand: as if chained by the neck².

در توضیح علت پیشنهاد این ترجمه باید گفت که در ابتدای امر، کلیت ترجمه با آوردن یک اصطلاح انگلیسی "keep within bounds" (به معنای بازداشتن یا محدود کردن فرد در بخشش و خساست‌ورزیدن) (به عنوان هسته اصلی استعاره-ساز) برجسته‌سازی شده است و در ادامه با اضافه کردن ترکیب «دست‌های بخشنده»، "Generous hands" که به تفسیر از آیه استنباط شده است، در عین پابندی به حفظ وجه استعاره‌ای اصل عربی آیه، ترجمه معناگراتری حاصل شده است. در نهایت، با تبدیل استعاره اصلی در عربی (که به غل و زنجیر برای نشان دادن بازداشتن از بخشش اشاره دارد) به تشبیه، دیگر بار سعی شده است در ترجمه انگلیسی، معنا به صورتی واضح‌تر به مخاطب انگلیسی زبان منتقل گردد.

۴-۵ «... مَسْتَهْمُ الْبَاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ...» (بقره/ ۲۱۴)

ARBERRY: "They were afflicted by misery and hardship"

PICKTHALL: "Affliction and misery befell them"

IRVING: "Suffering and hardship assailed them"

GHARAEI: "Stress and distress befell them"

SAFFARZADEH: "They were afflicted with severe poverty and Ailments"

MOHAMMAD AND SAMIRA AHMED: "The misery/hardship and the calamity touched them"

ITANI: "Adversity and hardship had afflicted them"

KHATTAB: "They were afflicted with suffering and adversity"

ارزیابی ترجمه‌ها:

با تحلیل و بررسی اصل عربی این آیه شریفه مشخص می‌شود که استعاره موجود در آن به این دلیل شکل گرفته که فعل «مسّ» که به معنی لمس کردن اجسام است، در توصیف نحوه مواجهه با سختی‌ها و یا دست‌وپنجه نرم‌کردن با آن‌ها به کار گرفته شده است. به عبارتی به نحوی آرایه‌ای که می‌توان آن را مقابل آرایه تشخیص قرار داد مورد استفاده قرار گرفته (به نوعی مشابه استعاره تخیلیه)، و درک درست معنا را منوط به درک و فهم جنبه ادبی و استعاری این قسمت از این آیه کرده است. برای انتقال مفهوم مزبور، بیشترین فعل مورد استفاده (توسط پنج مترجم) فعل "Afflict" (رنجور کردن، پریشان کردن و مبتلا کردن) می‌باشد. آربری از فعلی متفاوت، یعنی فعل "Assail" (حمله کردن و یا هجوم آوردن) و قرائی از فعلی دیگر یعنی "Befall" (در رسیدن، رخ دادن و یا اتفاق افتادن) استفاده کرده است. به عبارت دیگر، هیچ کدام از مترجم‌ها نتوانسته‌اند یا نیاز ندیده‌اند که برای ترجمه استعاره موجود در اصل عربی آیه، به دنبال یافتن راهبردهای مناسبی برای معادل‌یابی باشند. به بیان دیگر، برگردان‌های ارائه شده توسط این مترجمان را باید کاملاً معناگرا در نظر گرفت که در آنها اثری از ماهیت

² . دست بخشنده خود را محدود نکن: آن گونه که گویی به گردنت زنجیر شده (از بخشندگی بازداشته شده است)

استعاره برخاسته از چیدمان خاص لغوی و ادبی اصل عربی آیه - که منجر به شکل‌گیری معنای استعاره شده است- به چشم نمی‌خورد. در ترجمه محمد و سمیرا احمد، برای انتقال مفهوم برخاسته از استعاره موجود، از فعل "Touch" استفاده گردیده است که علاوه بر معنای اولیه این فعل که لمس کردن به صورت فیزیکی و حسی است، در معنای تاثیر پذیرفتن، آسیب دیدن، تحت تاثیر قرار گرفتن و یا متاثر شدن نیز می‌باشد که البته بسته به جمله و متن و فضای معنایی به کار گرفته شده، باید تشخیص داد کدام یک مورد نظر است. اگرچه استفاده از این فعل راهبردی ساده و قابل قبول به نظر می‌رسد و در نتیجه استفاده از آن در ترجمه هم از لحاظ معنایی و هم از لحاظ ادبی فهم و درک مفهوم مورد نظر برای مخاطب انگلیسی‌زبان راحت‌تر می‌گردد (یعنی ترجمه حاصله رنگ و بوی ترجمه نمی‌دهد و در آن اثری از گنگی و یا غیرطبیعی بودن در نتیجه ترجمه تحت‌اللفظی به قیمت ایجاد استعاره‌ای معادل دیده نمی‌شود)، اما باز هم نکته‌ای باقی ماند که به نظر می‌رسد معنای استعاره شکل گرفته در ترجمه انگلیسی ارائه شده توسط این دو مترجم، به اندازه معنای استعاره موجود در اصل عربی آیه پررنگ نیست. علت این امر را می‌توان این گونه توضیح داد که اگرچه فعل "Touch" به صورت تاریخی در متون مختلف ادبی برای اشاره به مفهومی که در بالا اشاره شد و فعل معادل عربی آن در حقیقت هسته اصلی و شاکله استعاره عربی مورد اشاره است، از لحاظ ادبی در زمان حاضر، دیگر بار معنایی استعاره پررنگی ندارد. یعنی در زبان روزمره و تقریباً در حدی پایین‌تر از سطح ادبی و نوشتاری نیز همانند سطح ادبی و به معنی تاثیر پذیرفتن، آسیب دیدن، تحت تاثیر قرار گرفتن و یا متاثر شدن به کار گرفته می‌شود، به بیان دیگر بسیار رایج و مصطلح است و در نتیجه استفاده از آن در ترجمه انگلیسی را در اینجا می‌توان همانند و همسنگ به کارگیری یک استعاره مهجور یا کلیشه‌ای و تنزل یافته به حد لفظ دانست. به این نوع از استعاره‌ها در انگلیسی (Dead/Trite Metaphor)، گفته می‌شود. یعنی آنقدر به استفاده دم‌دستی و روزمره نزدیک شده‌اند که بدون برجسته‌سازی ادبی و به عبارت دیگر بدون توجه به معنای ثانویه و یا استعاره برخاسته از فعل یا واژه به صورت خودکار توسط خواننده تحت‌اللفظی و یا غیر استعاره‌ای تعبیر می‌شوند. بنابراین در راستای برجسته‌سازی بهتر وجه استعاره ترجمه در اینجا باید به دنبال راهبردهای موثر دیگری بود، و یا به نحوی قوت بیشتری به وجه استعاره شکل گرفته در نتیجه به کارگیری فعل "Touch" بخشید.

ترجمه پیشنهادی:

با توجه به موارد اشاره شده در بالا در تحلیل ترجمه ارائه شده توسط محمد احمد و سمیرا محمد، می‌توان ترجمه زیر را پیشنهاد داد:

...They sensed touched: touched by suffering, misery and adversity...³

در توضیح این ترجمه باید گفت از آن جایی که فعل "Touch" و یا کلمه‌های هم‌ریشه و هم‌خانواده آن، بهترین گزینه برای ترجمه به نظر می‌رسد، در ترجمه پیشنهادی نیز از "Touch" استفاده شده است؛ با این تفاوت که برخلاف آنچه که در ترجمه محمد و سمیرا احمد دیده می‌شود، در اینجا صورت متفاوتی از این کلمه یعنی صفت مفعولی آن به کار رفته، و وجه فعلی این کلمه، به استفاده نشده و برای تکمیل ترکیب جدید کلمه "Sense" (که یکی از معانی آن، درک یک مفهوم یا پدیده به صورت حسی و یا عقلانی است) به عنوان فعل به آن اضافه گردیده است. بنابراین با استفاده از صفت مفعولی مشتق

³ . به آنان این ادراک (حس) رسیدند که لمس شده‌اند (تحت تاثیر قرار گرفته‌اند): تحت تاثیر رنج و فلاکت و بدبختی

از این کلمه و افزودن آن به فعل "Sense"، می‌توان ترکیبی لفظی ساخت که ماهیتاً به مفهوم «مس» در عربی نزدیک‌تر است. در ادامه نیز برای پررنگ سازی و برجسته سازی بیشتر نوعی تکرار صورت گرفته است، یعنی علامت ":" که در انگلیسی برای توضیح بیشتر، تاکید و یا بیان واضح‌تر چیزی که ممکن است گنگ باقی مانده باشد، و می‌توان آن را برابر با «یعنی» در نظر گرفت، به کار گرفته شده است. در این قسمت توضیح اضافی اما "Touch"، در وجه فعلی خود به کار گرفته شده، که در این حالت به معنی تحت تاثیر قرار گرفتن و زیان دیدن است، و همراهی آن با مفاهیم رنج و فلاکت و بلا، باعث ایجاد بار معنایی نزدیک‌تری به اصل عربی این قسمت از این آیه می‌شود.

۶- تحلیل و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش فعلی بررسی کیفیت و دقت ترجمه "استعاره"، و "ترکیب‌های استعاری"، در تعدادی از آیات قرآن کریم بوده است و در راستا تعدادی از مترجمان معاصر برجسته قرآن که ترجمه‌های انگلیسی آن‌ها بسیار پر ارجاع هستند مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. این مترجمان عبارتند از: آربری، پیکتال، اروینگ، قرائی، صفارزاده، محمد و سمیرا احمد، ایتانی و خطاب. برای پیشبرد این پژوهش از نظریه‌های شناختی مطرح در حوزه ترجمه استعاره استفاده شده است. با اتکا بر این نظریه‌ها، و همچنین استناد به نتیجه سایر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که:

الف. این مترجمان از چهار روش برای ترجمه استعاره‌ها استفاده کرده‌اند:

- ترجمه لفظی

- ترجمه معنایی

- ترجمه لفظی با افزودن تفسیر

- تبدیل استعاره به تشبیه

ب. یکی از روش‌های کاربردی ترجمه استعاره که پیشتر به آن اشاره شد، یعنی ترجمه استعاره در زبان مبدا به استعاره معادل در زبان مقصد، به طور مؤثر توسط هیچ یک از مترجمان استفاده نشده است.

ج. به جز صفارزاده که به ندرت استفاده از ترجمه لفظی را مؤثر تشخیص داده است، سایر مترجمان با بالاترین درصد به این روش تکیه کرده‌اند.

در ادامه باید افزود که تحلیل کیفی روش‌های رایج در حوزه ترجمه استعاره‌های قرآنی، در پژوهش فعلی باعث شد مشخص شود:

- آشنایی مترجمان قرآن با جنبه‌های زبانی، ادبی و بلاغی زبان عربی بسیار ضروری است و دانش آن‌ها از نظریه‌های شناختی می‌تواند به آن‌ها کمک کند.

- آگاهی از نحوه بیان استعاره و شناخت جهان‌بینی و هستی‌شناسی مرتبط با شکل‌گیری استعاره در زبان عربی، می‌تواند از سوءتفاهم و در نتیجه از ترجمه نادرست آیات جلوگیری کند.

- با استفاده از یک روش ترکیبی، امکان آشنا کردن مخاطب با موضوع اهمیت و پیچیدگی مفاهیم استعاری استفاده شده در قرآن کریم فراهم می‌شود، زیرا با تکیه بر چنین روشی، دست مترجم برای معادل سازی خلاقانه بازتر است، بنابراین می‌تواند تصویر واضح‌تر و گویایی‌تری از رسایی و شیوایی بلاغی این مفاهیم برای مخاطب در زبان مقصد ترجمه ایجاد کند. یعنی زمانی می‌توانیم بگوییم که خروجی کار مترجم بهتر است که مشابه احساسی که مخاطب عرب‌زبان ممکن است در مواجهه با متن اصلی عربی شامل یک ترکیب استعاری احساس کند، برای مخاطب در زبان مقصد نیز ایجاد شده باشد. همچنین با توجه به چارچوب نظری این مطالعه و با در نظر گرفتن سوالات مطرح شده به عنوان سوالات تحقیق، لازم است به موارد زیر اشاره شود:

بررسی کیفیت و صحت و خروجی ترجمه‌ها نشان می‌دهد بیشترین میزان ابهام و نادرستی، و یا دور شدن از روح و معنای هستی‌شناسانه یک استعاره، در ترجمه‌های تحت اللفظی قابل مشاهده است. همچنین با دقت در بخش‌های



اختصاص داده شده به ترجمه های پیشنهادی، می توان به روشنی دریافت که یک راهکار بینابینی، یا راهکار موثر و کاربردی، که به کارگیری آن حاکی از احاطه بیشتر به حوزه نظریه های شناختی و فرهنگی در ترجمه است، می تواند اضافه نمودن تفسیر و توضیح به یک ترجمه تحت اللفظی، برای تبیین تصویری درست از جایگاه، مفهوم و کارکرد زبانی و ادبی یک استعاره در زبان مبدا ترجمه با التفات به هستی شناسی و بار معنایی فرهنگی - شناختی آن باشد. در حقیقت، وجود عوامل معرفت شناختی زبانی از این دست می باشد، که می تواند به یک مترجم اطمینان دهد که آیا باید به ترجمه تحت اللفظی یک استعاره، بسنده کند و یا اینکه وجود نقص معنایی احتمالی در خروجی ترجمه تحت اللفظی را چه زمانی می توان با شرح و بسط بیشتر آن مفهوم استعاری از طریق تبدیل آن به تشبیه و یا ساده سازی و تبیین آن در قالب یک ترکیب تشبیهی معادل در زبان مبدا مرتفع ساخت. به بیان روشن تر، اتکا بر راهکار ترجمه تحت اللفظی و نرفتن به سراغ راهکار ترجمه تحت اللفظی با افزوده های تفسیری و یا راهکار تبدیل استعاره به تشبیه را می توان از نواقص کار مترجمانی دانست که در اینجا مورد مطالعه قرار گرفتند، امری که می توان آن را ناشی از پابندی بیش از حد (و احتمالاً غیرضروری) به نظریه های سنتی زبانی قاعده مند (فرمول بندی شده)، و راهبردهای قدیمی و کلیشه ای در ترجمه دانست. نکته ضروری دیگر، مبحث ترجمه معنایی و خطرات احتمالی ناشی از آن است. با نگاهی اجمالی به برآیند تجزیه و تحلیل های انجام شده در تحقیق فعلی، می توان این گونه نتیجه گرفت که در بسیاری از موارد، مشقت ترجمه استعاره و ناتوانی مترجم در معادل سازی و یا یافتن راهبردی مناسب برای انتقال صورت و لفظ و روح یک استعاره از زبان مبدا به مقصد، می تواند او را به سمت انتقال مفهوم برخاسته از استعاره بدون تلاش برای حفظ صورت لفظی و ماهوی استعاره در ترجمه به زبان مقصد، سوق دهد. به بیان دیگر، نتیجه کار و یا خروجی تعداد زیادی از موارد بررسی شده در این پژوهش، که مترجم در آنها از راهبرد ترجمه معنایی استفاده نموده، مطلوب و قابل قبول نمی باشد؛ زیرا با کمی تلاش بیشتر می توانست روح و لفظ استعاره مورد استفاده در زبان مبدا را بهتر و گویاتر در زبان مقصد، بازتاب دهد. در واقع، استناد به بخش ترجمه های پیشنهادی، و مشاهده درصد استفاده از راهبرد ترجمه معنایی، خود گواه بر این حقیقت است که انتخاب این راهبرد بدون توجه به نظریه های شناختی مطرح در حوزه ترجمه، و تأمل بیشتر در مسیر کشف راهبردهای بینابینی و ترکیبی کارآمد احتمالی دیگر، می تواند به کیفیت و درجه درستی و فصاحت و بلاغت ترجمه آسیب بزند.

در پایان باید اشاره کرد که هدف این پژوهش، صرفاً نقد و بررسی تعدادی از ترجمه های انگلیسی معاصر، از منظر کیفیت به کارگیری شیوه ها و راهبردهای مبتنی بر نظریه های ترجمه زبانی رایج، برای ترجمه استعاره در آیات قرآنی نبوده است، بلکه هدف اصلی آن، جلب نظر مترجمان و منتقدان به این حقیقت و اصل مهم است که کیفیت برگردان «استعاره»، به عنوان یکی از ظرایف ادبی و ابزارهای بلاغی به کار گرفته شده در زبان قرآن کریم، نیازمند اتکا به راهبردهایی برخاسته از نظریه های فرا-زبان شناختی و آگاهی و شناخت هر چه بیشتر از نظریه های نوین مطرح در حوزه ترجمه شناختی است؛ زیرا ثمره این آگاهی و شناخت، اشراف بیشتر به موضوع خواهد بود و در نتیجه زمینه لازم را برای اقدامات هوشیارانه تر در مسیر کشف راهبردهای تازه، نوآورانه و غیرمحدود کننده و احتمالاً ترکیبی و بینابینی در حوزه ترجمه استعاره های قرآنی فراهم خواهد کرد.

منابع:

- الساوی، أحمد عبد السيد (۱۹۸۸). *دراسة تاريخية فنية. منشأة المعارف*.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۶). (ترجمه). *قرآن حکیم (The Holy Quran)*. انتشارات الهدی.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۹). *زبان‌شناسی و ادبیات، تاریخچه چند اصطلاح*. هرمس.
- فارسی، بهنام (۱۴۰۱). "بازخوانی کیفیت «جامع» در استعاره تبعیه (فعلیه) و بازتاب آن در ترجمه آیات قرآن". *دوفصلنامه علمی پژوهشی زبان‌شناسی قرآن*، دوره ۱۱، شماره ۲۱: ۱۷۷-۱۹۴.
- قرائی، سیدعلی قلی، (۱۳۷۵)، (ترجمه). *The Qur'an with an English Paraphrase* (قرآن مجید با ترجمه عبارت به عبارت). مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی .
- جاحظ، عمرو بن بحر و بو ملحم، علی (۲۰۰۲). *البيان والتبيين*. بیروت - لبنان: دار و مکتبه الهلال.
- Ahmed, Mohamed, and Samira Ahmed (1994), (trans). *The Koran Complete Dictionary and Literal Translation*. M., J. & S Ahmed.
- Arberry, Arthur John (1955), (trans). *The Koran Interpreted*. Oxford University Press, 1983.
- Awan, A. R., and Muhammad Nawaz. (2023). "The Applicability of Metaphor Translation Strategies By Peter Newmark: Evaluating English Translations of Quranic Metaphors in Surah Al-Baqarah." *Journal of Translation & Multilingualism*. Vol.1. No.1. 1–20. Retrieved from <https://ctsmpk.org/index.php/jtm/article/view/11>
- Bywater, I. (1984). "Aristotle. *Poetics*..." *The Complete Works of Aristotle: the Revised Oxford Translation*. J. Barnes. Princeton. 2.
- Catford, J. C. (1965). *A linguistic theory of translation*. Oxford University Press.
- Eqbali, A. Layered Semiotics of Surah Takāthur. *Biannual Journal Quran and Religious Enlightenment*. Vol. 1. No. 2. 51-60.
- Hong, Wenjie and Caroline Rossi, (2021). The Cognitive Turn in Metaphor Translation Studies: A Critical Overview. *Journal of Translation Studies*. Vol. 5. No. 2. 83-115.
- Irving, Thomas Ballantine (1985), (trans). *The Qur'an: The First American Version*.
- Itani, Talal (2014) (trans). *Quran: English Translation. Clear, Easy to Read, in Modern English*. ClearQuran.com.
- Khattab, Mustafa (2016) (trans). *The Clear Qur'an: A Thematic English Translation of the Message of the Final Revelation* (Lombard, IL: Book of Signs Foundation).



- Lakoff, George and Mark Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. University of Chicago Press.
- Munday, J. (2016). *Introducing translation studies: Theories and applications*. Routledge.
- Modershedian, Mahboobeh and Somaye Jamalu (2023). "Evaluation of Two English Translations of Quranic Metaphors Based on Mandelblit's Cognitive Translation Hypothesis." *Linguistic Research in The Holy Quran*. Vol. 12. No. 2. 31-46.
- Newmark, P. (1981). *Approaches to Translation*. Pergamon Press.
- Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. Prentice Hall.
- Pickthall, Mohammed Marmaduk Pickthall (1930) (trans). *The Meaning of the Glorious Koran*, Penguin Publishing Group.
- Snell-Hornby, Mary (1988). *Translation Studies: An Integrated Approach*. John Benjamins Publishing.
- Steen, Gerard J. (2008). "The Paradox of Metaphor: Why We Need a Three- Dimensional Model of Metaphor." *Metaphor and Symbol*. Vol.23. No. 4. 213–241.
<https://doi.org/10.1080/10926480802426753>
- Stienstra, Nelly (1993). *YHWH Is the Husband of His People: Analysis of Biblical Metaphor with Special Reference to Translation*. Kampen: Kok Pharos.
- Taheri-Ardali, Mortaza, Bagheri, Mohammad and Eidy, Reza (2013). Towards a New Model of Metaphor Translation: A Cognitive Approach. *Iranian Journal of Translation Studies*. Vol. 11. No. 11. 35-52.

Qu'ran and the Challenge of Metaphor Translation **(A Case Study of Metaphor Translation Methods in Some of the Contemporary English Translations of Qu'ran)**

The Holy Qur'an, as the sacred book of Muslims, is studied and analyzed not only from religious, spiritual, and theological perspectives but also it has much more to say, and thus to be studied from the viewpoint of literature and literary criticism. Actually, it has the potential to be studied at, literary, semantic, linguistic, and discursive levels as well. In this regard, the article seeks to focus on one of the most significant literary aspects of the book, namely "metaphor." More precisely, this article adopts a descriptive-analytical approach to examine how some of the Qura'nic verses containing "metaphors" are translated in a number of different contemporary English translations and to this end it utilizes some of the contemporary cognitive metaphor translation theories. Ultimately, based on the quality of these translations and considering the theoretical principles presented, it offers several suggested translations to improve the quality of the rendition and representation of each of these metaphors.

Keywords: "Metaphor", "English Translations of Qur'an", "Cognitive Translation Methods".

Bamshad Hekmatshoartabari (Corresponding Author)

Affiliation: Assistant Professor of English Language and Literature at the Department of English Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Sayed Sajjad Gholami

Affiliation: Assistant Professor of Theology at the Department of Theology, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran.